

# جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران

## با تاکید بر اعداد هفت و چهل

آمنه حسن زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

زمانی که فیثاغورث و پیروانش این نظریه را ارائه کردند که «تمام جهان هستی بر اساس اعداد ساخته و پرداخته شده است»<sup>۲</sup> بدون شک حوزه زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری را نیز در نظریه پردازی خود مدنظر داشتند، زیرا در این عرصه نیز اعدادی حضور دارند که علاوه بر ارزش کمی از جایگاه و ویژگی‌های کیفی و معنوی عمیقی برخوردارند به طوری که وجه کمی این اعداد در پس این خصلت، فراموش می‌شود و باورها، اعتقادات و ویژگی‌های دیگر و گاه متفاوت جای آن را می‌گیرد. اعدادی چون هفت (نماد تقدس و خوش یمنی و تمامیت مانند سفره هفت

۱. کارشناس ارشد مردم شناسی، Aminahz\_7@yahoo.com

۲. فیثاغورث و یارانش اعتقاد داشتند که همه نمادهای جهان، چه زمینی و چه آسمانی بازتابی از اعداد هستند. از نظر افلاطون اعداد مظهر هماهنگی عالمند و از نظر ارسطو، عدد منشأ و جوهر همه چیز است. در فلسفه یونانی اعداد فرد مذکر و اعداد زوج مؤنثند و این یعنی اینکه اعداد جنسیت دارند یا به عبارتی آنها را دارای شعور فرض می‌کردند. همچنین تعداد قربانی برای ایزدان آسمانی، فرد و برای ایزدان زمینی زوج بود. (نورآقایی،

سین، هفت امشاسبند و ... **چهل** (نماد کمال و تمامیت، مانند چله نشینی، چهل سالگی: سن کمال)، سه (در باور مردم، شمارگان یک و دو، در حوادث و امور معلق است و باید سه را به دنبال داشته باشد تا کامل شود) **چهار** (اصل و ریشه طبیعت جاودان: چهار عنصر حیات، چهار فصل سال، چهار دوره سه هزار ساله جهان در اساطیر زرتشتی و نشانه استحکام و موزونی: چهار جهت، چهار ستون بدن انسان و چهار گوش)<sup>۱</sup>، **سیزده** (نماد نحسی و بدیمنی؛ اساطیر ایران؛ عمر جهان دوازده هزار سال است و در پایان دوازده هزار سال آغاز هزاره سیزده، آسمان و زمین در هم خواهد شد، سیزده بدر و غیره هر کدام با داشتن خصلت‌هایی همچون مقدس، خوش‌یمن، بدیمن، نحس و... رفتار، اعتقادات و عملکرد مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

موضوع این مقاله نیز بررسی جایگاه اعداد مقدس و خوش‌یمن **هفت** و **چهل** در فرهنگ مردم ایران است. از این رو پس از توضیحاتی در این خصوص، نمونه‌هایی دال بر حضور برجسته این اعداد در عرصه‌های مختلف فرهنگ عامه و زندگی مردم ارائه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** عدد، هفت، چهل، فرهنگ عامه، ایران

## مقدمه

به‌طور کلی در باور عامه مردم، اعداد به دو دسته خوش‌یمن (مقدس) و بدیمن (نحس) تقسیم می‌شوند که بر اساس این باور، دسته اول، باعث خوش‌شانسی می‌شود و دسته دوم بدشانسی به همراه دارد. این امر در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد. برای مثال در "چین و تایوان به دلیل شباهت تلفظ عدد چهار به کلمه «مردن» این کلمه نحس و منفور است و از این‌رو در بیشتر هتل‌ها طبقه یا اتاقی با شماره چهار ساخته

۱. براساس نظر فیثاغورث، مربع [با داشتن چهار ضلع] نماینده وحدت گونه‌ها و نشان دهنده برابری یک چیز با خودش است و می‌تواند نمادی از عدالت قانون تلقی شود که همه را به یک چشم می‌نگرد و از نظر افلاطون، مربع نماینده هماهنگی است که عالی‌ترین فضیلت به شمار می‌رود. (نورآفایی، [www.chn.com](http://www.chn.com))

## جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل ❖ ۱۶۷

نمی‌شود و حتی در چینش صندلی اتوبوس‌ها نیز، صندلی‌ای با شماره چهار وجود ندارد یا در بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی نسبت به عدد سیزده دیدگاه‌ها و باورهای منفی وجود دارد. مثلاً «اگر سیزدهم ماهی از سال با روز جمعه مصادف گردد، آن را نحس تلقی می‌کنند.» ([www.aryasoft.biz](http://www.aryasoft.biz)) عدد سیزده، عمومی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین عددی است که در ایران و اکثر کشورهای دیگر به نحسی شناخته شده است و از آن دوری می‌جویند. مثلاً در ایران اگر از کوچه پس کوچه‌های برخی شهرها گذر کنیم هنوز پلاک‌های ۱۲+۱ را خواهیم دید که ساکنان آن برای در امان ماندن از نحسی عدد سیزده آن را جایگزین عدد واقعی پلاک ۱۳ کرده‌اند. حتی برخی با وحشت از جادوی عدد سیزده در هنگام شمارش با گفتن واژه «زیاده» از آن می‌گذرند و جالب این‌که هواپیمای بسیاری از شرکت‌های هواپیمایی نیز به مانند شرکت هواپیمایی هما با توجه به این باور عامیانه، صندلی ردیف سیزده ندارد! از سوی دیگر، نامبارکی و نحسی این عدد در باور مردم، زمینه‌ساز مراسم سیزده بدر گردیده است که در پی این اعتقاد برای رهایی از شر آن به دامان طبیعت پناه می‌برند و نحسی سیزده را با خوش گذرانی، خوش‌گویی و خوش‌خوری به در می‌کنند تا شاید در تقسیم بلا، فراموش شوند و از قلم بیفتند! (هرچند بسیاری با رد این بحث، معتقدند در فرهنگ ایران هیچ روزی نحس نیست و همه روزها مقدس و مبارکند و پناه بردن به دامن مام طبیعت را مربوط به الهه باران می‌دانند که روز سیزدهم فروردین به آن متعلق است).

علاوه بر آن، اعداد دیگری نیز وجود دارند که در فرهنگ عامه از چنین خاصیتی برخوردارند ولی به دلیل پراکندگی و نادر بودن آن، کمتر مورد توجه‌اند. مثلاً در باور مردم سنندج، عدد ۴۶ نحس و نفرت‌انگیز است به طوری که این مسئله، به معضلی در این شهر تبدیل شده است. این عدد به حدی در شهر سنندج مطرود است که برخی از ساکنان این شهر که پلاک منزلشان ۴۶ است اقدام به برداشتن آن می‌کنند. این موضوع حتی بر قیمت کالاهایی که شماره سریال یا پلاک آنها دارای این عدد باشد، تاثیر گذاشته است، یا سیم کارت تلفن همراهی که شماره آنها حاوی عدد ۴۶ است، مشتری ندارد و قیمت آن کمتر از شماره‌های دیگر است (همان).

در مقابل این اعداد نحس، اعدادی به مانند هفت و چهل از جمله اعدادی هستند

که با تصور هاله‌ای از تقدس و تبرک برای آنها در اکثر جوامع و فرهنگ‌ها از ارج و منزلت خاصی برخوردارند.

### جایگاه عدد هفت در فرهنگ عامه

در بین ما ایرانیان، عدد هفت، گل سرسبد اعداد مقدس و خوش یمن است. حضور این عدد در نامگذاری بسیاری از مراکز خرید و فروش، مراکز فرهنگی، کوچه‌ها، میادین (میدان هفت حوض) محصولات و ... جزئی‌ترین بازتاب این جایگاه است.

به طور کلی، هفت عددی است معروف و از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف جهان بوده و اغلب در امور ایزدی و نیک به کار می‌رفته است. وجود عواملی مانند تعداد سیاره‌های مکشوف جهان باستان و همچنین رنگ‌های اصلی (زرد، آبی، نارنجی، سرخ، بنفش، سبز و نیلی)<sup>۱</sup> بازگوی رجحان و جنبه ماورای طبیعی این عدد گردیده است. این امر در فرهنگ مردم ایران نیز مانند بسیاری از فرهنگ‌های جهان به طور برجسته‌ای نمایان می‌باشد به طوری که در طول تاریخ ایران (چه پیش از اسلام و چه بعد از آن) در اعتقادات، باورداشت‌ها، مراسم و آیین‌ها، ادبیات و حتی صحبت‌های روزمره و عامیانه مردم و... شاهد حضور و نقش عدد هفت هستیم.

در طالع‌بینی آریایی در معرفی این عدد چنین آمده است: «عدد ۷، نماد و جوهره از خودگذشتگی، اخلاق‌مداری، اشراق و شفقت، پاکی، روشنایی، ذات منزله آفریدگار، نیروی آفرینش و جهان هستی و معنویت است. عدد سحرآمیز هفت، همگام با تحرکات هستی است و خرد را پیروز می‌کند و هر کسی طالعش تحت تأثیر عدد هفت باشد آن را خوش‌یمن می‌دانند...» (صفی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

بر اساس نظر ریاضیدانان "عدد هفت که جمع اعداد سه و چهار است به سبب شکل هندسی مثلث و مربع که اشکال همگن و کامل به شمار می‌آیند، نمایانگر کمال و

۱. هر یک از این رنگ‌ها به یکی از سیارات هفتگانه و همچنین یکی از روزهای هفته اختصاص دارد. (معین،

به شکلی نمادین به مفهوم کثرت و تکامل است" (www.tebyan.net). این ویژگی عدد هفت، فقط به حوزه ریاضی خلاصه نمی‌شود بلکه ردپای آن را در اکثر جوانب زندگی و حوزه‌های فرهنگ عامه و به ویژه محاورات روزمره مردم نیز می‌توان دنبال کرد. برای مثال اصطلاح «هفت قلم آرایش» (معادل «هر هفت کرده»، «هفت ونه»، «هفت رنگ») به معنای استفاده از هفت نوع لوازم آرایشی نیست بلکه کنایه از «آرایش بسیار و فراوان» است. یا وقتی به انجام رسیدن کاری با دشواری‌های بسیاری همراه باشد، گفته می‌شود از «هفت خوان» باید گذشت یا وقتی در جمعی سرو صدا زیاد باشد، گفته می‌شود «صدا آنقدر بلند است که تا هفت خانه می‌رود» یا کسی که جان سخت باشد، گفته می‌شود «فلانی هفت جان دارد». همچنین است «هفت کفن پوساندن» که کنایه از فوت کسی در زمان‌های بسیار دور است. در تمامی این نمونه‌ها، هفت، معنایی فراتر از رقم «هفت» دارد و به مفهوم بسیار و کمال نمود می‌یابد. این نظر که سفره هفت سین در ابتدا، هفت‌چین به معنی «بسیار بچین» بوده است نیز برگرفته از همین برداشت معنایی است.

و اما در خصوص قدمت توجه به این عدد، نقل است «سومریان قدیمی‌ترین قومی هستند که به عدد هفت توجه داشته‌اند.» (صادق‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۹) در دین زرتشت (به عنوان مذهب قبل از اسلام ایرانیان) نیز عدد هفت همواره جنبه مقدس و اهورایی داشته و دارد. در این آیین، آداب و رسوم و اعتقادات فراوانی وجود دارد که نشأت گرفته از همین جایگاه و ارزش است؛ «آیین‌هایی مثل «هفت سین» نوروزی که بسیاری هفت سیاره (هفتان) را در امر تقدس این عدد مؤثر دانسته‌اند و گمان بر این دارند که اگر کسی هر هفت را در اختیار داشته باشد، نظر لطف هر هفت سیاره را به خود جلب کرده و خوشبخت می‌شود.» همچنین در این دین و فرهنگ به هفت امشاسپند، هفت عامل شر (سردیوان)، هفت

---

۱. هفت امشاسپندان: اهورامزدا، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ یا اسفند، خرداد، امره‌تات یا امرداد و هفت دیوان: اکومن، ایندره، ساوول، ناهیه، تیریز، زَیریز و آئشمه

آتشکده مقدس<sup>۱</sup>، هفت ستاره و هفت آسمان (پرده هفت رنگ نیز کنایه از آسمان است)، هفت اقلیم<sup>۲</sup>، هفت دریا، هفت کوه، هفت شبانه‌روز بر بودن وجود زرتشت در خرد اهورامزدا و... تأکید دارند.

همچنین می‌توان، رد پای عدد هفت را در دیگر ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) و کتب آسمانی نیز دنبال کرد و به نتایج جالب و مفیدی دست یافت: در تورات نقل است که "هفت نر و ماده را با خود برگیر تا نسلی بر جهان بماند". هفت معجزه از ۳۳ معجزه را مسیح در انجیل ذکر می‌کند. در این کتاب از هفت روح پلید صحبت شده است و به نظر فرقه کاتولیک، هفت نوع شادی و هفت غسل تعمید وجود دارد.

در اسلام و قرآن (که خود مشتمل بر هفت موضوع دانسته شده است) نیز تقدس و عظمت عدد هفت بحثی عمیق دارد. "در اندیشه های اسلامی، نخستین عدد کامل، هفت است" (نورآقایی، [www.chn.com](http://www.chn.com)) و با مراجعه به سوره‌هایی همچون بقره، یوسف، بنی‌اسرائیل، فصلت، کهف و... عظمت عدد هفت را درمی‌یابیم. "آیات بسیاری در قرآن می‌توان یافت که همه نشانگر آفرینش آسمان‌ها و زمین و استواری آنها تحت حکم الهی بر عدد هفت است و نشانگر عدم تغییر و تبدیل در آفرینش الهی و دلیلی هم بر تقدس کمال این عدد است: آسمان و زمین هر دو هفت طبقه دارد و هفت ملک (فرشته) موکل بر آنها، جهنم هفت طبقه دارد. گناهان اصلی هفت عدد است؛ علاوه بر اینها مواردی چون هفت بار طواف دور کعبه، قرار گرفتن هفت عضو بدن هنگام نماز بر زمین، پاک شدن اشیای ناپاک با هفت بار شستن، هفت نفر قاری قرآن معروف در اسلام، هفت سال خشکسالی و هفت سال فراوانی به عنوان تعبیر هفت گاو لاغر و هفت گاو چاق در خواب فرعون (پادشاه عصر حضرت یوسف) و... از دیگر نمودهای حضور این عدد در اسلام می‌باشد." (صادق‌زاده، ۱۳۷۶: ۶۹-۷۱) و به "نگاه اهل حق، خداوند دارای هفت تجلی است." (اسدیان، ۱۳۸۴: ۶۵، به نقل از زرین‌کوب)

۱. نام این هفت آتشکده عبارت‌اند از: آذر مهر، آذر نوش، آذر بهرام، آذر آیین، آذر خرداد، آذر برزین و آذر زدهشت

۲. آرزو، سوه، فرددفش، ویددفش، وروبرشت، وروجرشت، خونیرس

جالب این‌که، ارج و قرب این‌چنینی عدد هفت با صدور اسلام در ایران زرتشتی، تقویت و مضاعف گردید؛ زیرا ایرانیان توانستند در عین گرویدن به دین اسلام و پذیرفتن اصول، عقاید و آداب آن، برخی از اعتقادات و آداب و رسوم ملی و دینی گذشته خود را نیز که منافاتی با دین اسلام نداشت، حفظ کنند.

علاوه بر ادیان، با تورق تاریخ اساطیر نیز به موارد بسیاری از تجلی این عدد سحرانگیز برمی‌خوریم. در تاریخ اساطیر ایران می‌خوانیم که اهورامزدا هفت صفت دارد: نور، عقل نیک، راستی و درستی، قدرت، تقوی، خیر و فناناپذیری. وجود زرتشت در خرد اهورامزدا، هفت شبانه روز است. مشی و مشیانه (به عنوان نخستین زوج آدمی)، هفت جفت فرزند به دنیا می‌آورند و برای ادامه نسل بشر هر کدام روانه یکی از هفت کشور می‌شوند. هفتمین آفریده مقدس و نیک هرمزد، آتش است که درخشش او از روشنی بیکران هرمزد است یا در داستان مسافرت ایشتر (الهه آفرینندگی و باروری) به زیرزمین، روایت است که این الهه برای رسیدن به زیرزمین از هفت دروازه عبور کرد.

همچنین موارد دیگر: "هفت‌گونه خط دبیری که اهریمن پنهان کرد ولی تهمورث آشکار ساخت" (صفی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۷). بنا نهادن هفت کاخ در بالای کوه البرز از سوی کیکاوس پس از یافتن فرمانروایی مطلق بر هفت کشور و تمامی دیوان و آدمیان. کشته شدن زرتشت در سن هفتاد سالگی (مشتق عدد هفت). هفت گنج<sup>۱</sup> و عجایب هفتگانه بارگاه خسرو پرویز که در هاله‌ای از اسطوره قرار دارد.<sup>۲</sup>

در ادبیات ایران (مکتوب و شفاهی) نیز این مسئله قابل تعمق است؛ زیرا ادبیات محل انعکاس باورهای انسانی اعم از اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، علمی و ... می‌باشد و اکثر شاعران و نویسندگان به آن توجه خاصی نشان داده‌اند تا بدانجا که در همه افسانه‌ها، قصه‌ها و دیوان اشعار به این عدد برمی‌خوریم. شاعرانی چون فردوسی با

---

۱. گنج عروس، گنج بادآورد، گنج افراسیاب، گنج سوخته، گنج خضرا، گنج شادآورد و گنج بارتیف  
۲. گنج گاو- دستمال نسوز- تاج یاقوت نشان- تخت طاقدیسی- طلای مشت‌افشار- گنج بادآورده- شطرنجی از یاقوت و زمرد

"هفت خوان رستم"، "هفت خوان سهراب"، "هفت پهلوان"<sup>۱</sup> و داستان "هفتواد"؛ نظامی گنجوی با «هفت پیکر»؛ عطار نیشابوری با «مراحل هفتگانه سیر و سلوک»<sup>۲</sup> و "هفت شهر عشق" (هفت شهر عشق را عطار گشت / ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم)؛ جامی با "هفت مثنوی"<sup>۳</sup>؛ خواجه عبدالله انصاری با «هفت حصار»؛ دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی با «آسیاب هفت سنگ»، «کوچه هفت پیچ»، «ازدهای هفت سر»، «نای هفت بند» و...

با سابقه این چنین عدد هفت، بی شک حضور برجسته آن در حوزه فرهنگ عامه مردم ایران نیز امری بدیهی و قابل پیش بینی است. همچنان که با دقت در زوایای مختلف زندگی مردم نیز این موضوع به تایید می رسد. همواره در طول تاریخ ایران آداب و رسوم، مراسم، باورها، اعتقادات، افسانه ها و اعمال بسیاری وجود داشته اند که بازتاب جایگاه والای این عددند. کافی است به موارد زیر که تنها در حکم مشتی از یک خروار است، دقیق شویم:

ابوریحان بیرونی، سفره هفت سین را از زمان جم می داند و نقل می کند: "چون جمشید بر اهریمن که راه خیر و برکت و بارش باران و سبز شدن گیاهان و نعمت و فراوانی را بسته بود پیروز شد، دوباره خیر و برکت و نعمت باران و سبز شدن گیاهان شروع شد و به همین جهت مردم گفتند: "روز نو" آمد و هرکس از مردم برای تبرک، طشتی جو کاشت و این آیین بماند که در این روز گرداگرد سرای، هفت گونه غلات برهفت استوانه می کاشتند و از آن روز، حضور هفت حبوب، هفت گرده نان از هفت حبوب پخته شده، هفت شاخه گیاه، هفت خوشه، هفت جام سپید، هفت درهم سپید، هفت شمع و هفت چیز که مطلع شان با سین است، در خوانی که گاه به هفت خوان

۱. شاهنامه بر اساس هفت پهلوان بنا شده است: ۱- فریدون ۲- ضحاک ۳- سیاوش ۴- فرود ۵- پیران ۶- رستم ۷-

بهرام چوبینه

۲. طلب- عشق- معرفت- استغنا- توحید- حیرت- فنا

۳. «سلسله الذهب»، «سلامان و ابسال»، «تحفه الأبرار»، «سبحه الأبرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون» و

«خردنامه»



## جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل ❖ ۱۷۳

(هفت سینی، هفت قاب) می‌رسید، در دوره‌های مختلف رواج گردید" (همان: ۳۹۲-۳۹۱).

در "خور" رسم است که در هفت طاقچه حیاط، جو می‌کارند و می‌گویند "باغو" سبزه کرده‌اند. همچون ایران کهن که "بیست و پنج روز پیش از نوروز در میدان شهر، دوازده یا هفت ستون از خشت خام در اطراف حیاط دربار و یا میدان شهر برپا کرده و بر فراز هر ستونی، نوعی دانه از حبوبات می‌کاشتند. (هنری، ۱۳۵۳: ۵۲)

از گذشته، خوردن هفت نوع آجیل (آجیل هفت رنگ) بی‌نمک در شب چهارشنبه‌سوری مرسوم بود. در گذشته این آجیل از سوی خود افراد تهیه می‌شد و برای پاک کردن آن، "هفت دختر باکره" به خانه دعوت می‌شد... همچنین در برخی شهرها و روستاها مانند لاریجان در این شب آشی تهیه می‌شد که در آن هفت نوع بُشن، هفت جور سبزی و هفت ترشی می‌ریختند و بدین مناسبت "هفت ترشی آش" نامیده می‌شد. (همان: ۴۱)

در آذربایجان مرسوم است برای شب چهارشنبه‌سوری هفت نوع خوراکی شیرین (هفت لون)، هفت دانه روغنی و هفت نوع شیرینی تدارک دیده می‌شود. در مازندران، صبح روز چهارشنبه آش هفت ترشی، درست می‌کنند. آشی که هفت نوع ترشی مانند آب نارنج، آب لیمو، آب انار، سرکه، گوجه سبز و آب ازگیل در آن می‌ریزند.

در اصفهان در چهارشنبه‌سوری رسم بوده است که پس از عبور از مقابل هفت فروشگاه عطاری در نهایت از یکی اسپند خریده می‌شد و در خانه آن را با بخور به نشانه ترکیدن چشم حسود و بدخواه، دود می‌کردند. مردم گیلان نیز با آداب خاصی به خرید آینه و اسپند هفت‌رنگ و گمّج (ظرف سفالی) می‌روند. (همان: ۳۱)

بعضی از مردم، گردو شکستن را در گشوده شدن بخت مؤثر می‌دانند. دخترهای دم بخت در ایامی به مانند چهارشنبه‌سوری هفت گردو و مقداری نبات به کارگاه کوزه‌گری یا شیشه‌گری می‌بردند. کوزه‌گر آنها را پشت چرخ کوزه‌گری می‌نشانند و هفت بار چرخ را می‌گرداند و در هر بار یک گردو را می‌شکست. (همان: ۳۷)

در آذربایجان در شب چهارشنبه‌سوری، هفت بار پریدن از روی آتش را خوش

یمن می‌دانند. گاه نیز به جای یک تل آتش، هفت تل آتش در یک ردیف روشن می‌کنند و از روی همه آنها می‌پرند (هدایت، ۱۳۷۹: ۱۲۵). این رسم در اغلب مناطق ایران از جمله مازندران، خراسان و ... نیز معمول است.

در روستاهای کردستان پیش از طلوع آفتاب روز چهارشنبه، کوزه نویی را به کنار جوی‌ها و آب‌های روان می‌برند و از هفت چشمه پر از آب می‌کنند و سه بار از روی آن می‌پرند. (هنری، ۱۳۵۳: ۳۱)

در هنگام تحویل سال همواره در بین خانواده‌های ایرانی مرسوم بوده است که پس از خواندن دعای سال تحویل، هفت سوره یا هفت آیه از قرآن را که با کلمه «سلام» آغاز می‌شود، می‌خوانند یا این‌که به وسیله زعفران بر روی کاغذی، هفت سلام می‌نویسند و در آب می‌گذارند و خوردن این آب را در زمان تحویل سال، متبرک می‌دانند؛ زیرا معتقدند با خواندن این آیات، آفت‌ها و بلاهای آسمانی، زمینی و شیطان را از محیط خانه و خانواده دور می‌کنند و سلامت و آرامش را به خانه در سال نو می‌آورند. "همچنان‌که در سنت شیعه نیز روایتی است بر این موضوع: هر که این هفت آیه مشتمل بر هفت سلام را در روز نوروز بر کاسه چینی به مشک و زعفران بنویسد و به گلاب بشوید هر که از آن آب بخورد تا سال دیگر هیچ المی و دردی به وی نرسد و اگر گزنده‌ای وی را گزد، زهر بر او کار نکند به قدره الله تعالی" (جعفریان، [www.balagh.net](http://www.balagh.net)). در برخی مناطق نیز این هفت سلام را بر "غولونگ آب" (زردآلو و قیسی خشک شده را که در آب خیس کنند) می‌خوانند.

در زنجان رسم بوده است که دختران برای بخت‌گشایی به آب انبار می‌رفتند و هفت گره بر جامه‌شان می‌زدند و از پسران نابالغ می‌خواستند تا آن هفت گره را بگشایند. (رضی، ۱۳۸۰: ۲۵۸). دختران شیرازی نیز از شب قبل از سیزده بدر یک نخ تابیده هفت رنگ ابریشمی را به کمر می‌بستند و صبح روز سیزده پیش از طلوع خورشید، پسر بچه نابالغی را وادار می‌کردند که گره از کمرشان باز کند تا بختشان گشوده شود (هنری، ۱۳۵۳: ۷۷).

آب هفت‌گری از روش‌های دیگر بخت‌گشایی است. بر اساس مطالب نگاشته شده در کتاب "از خشت تا خشت" آب هفت‌گری، آبی بود که مادر دختر - یا کس

## جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل ❖ ۱۷۵

دیگر- از هفت دکان که نام شغلشان به "گری" پایان می‌یافت مثل آهنگری، مسگری، شیشه گری و... می‌گرفت و پس از انجام کارهایی، طبق آدابی به نیت گشایش بخت به روی سر دختر می‌ریخت (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۹۷).

در ساری دختران صبح زود سیزده بدر از خواب برمی‌خیزند و به نزدیک‌ترین جوی خانه‌شان می‌روند و هفت بار از جوی آب می‌پرند و هر بار نیت خود را تکرار می‌کنند. در آذربایجان رسم بود که در روز سیزده بدر در راه بازگشت به خانه، هفت سنگ از زمین جمع می‌کردند و به نماد دور ریختن بیماری و نحسی پشت سر خود می‌انداختند.

در روستای "حسن لنگی" بندرعباس، در روز سیزده به‌در، شتران را با منگوله‌هایی به نام "گل گُلوم پنگ" زینت می‌دهند که از ابریشم هفت رنگ تهیه شده است و با آن به سیزده بدر می‌روند (هنری، ۱۳۵۳: ۷۸-۷۷).

در خصوص علت پیدایش جشن آبریزان گویند که در زمان فیروز پسر یزدگرد پس از هفت سال قحطی، باران باریدن گرفت و مردم شادی کنان به یکدیگر آب پاشیدند و از آن موعده، این رسم مرسوم گردید (رضی، ۱۳۸۰: ۳۸۴).

مرسوم بودن بندهای «تیروباد»<sup>۱</sup> از تارهای هفت رنگ ابریشم یا نخ (شبیبه رنگین‌کمان) در جشن "تیرو جشن" زرتشتیان (جشن تیرگان) مؤید اهمیت مردم به عدد هفت است. (همان: ۶۶۴).

بادبره/ بادبزه، روز بیست و دوم ماه بهمن است و درخصوص این روز روایت شده است: "هفت سال در ایران باد نیامد. در این روز شبانی پیش کسرا آمد و گفت: دوش آن مقدار باد آمد که موی بر پشت گوسفندان جنبید. پس از آن روز نشاطی کردند و خوشحالی نمودند و به این شهرت یافت و سالیانی پس از آن بدان خاطر جشن بادبره برگزار شد" (رضی، ۱۳۸۰: ۷۲۲، ۶۸۵).

در روستای نخل ناخدای بندرعباس، در شب چهارده صفر فالی مرسوم است که در آن یک کاسه آب از چاه برمی‌دارند و هفت برگ از درختی که خار نداشته باشد (مثل

---

1. Tiru-bâd

ابریشم، انار و ...) روی آب قرار می‌دهند... (هنری، ۱۳۵۳: ۴۰).

در استان کهگیلویه و بویر احمد به مانند بسیاری از اقوام دیگر ایرانی، مدت جشن و پایکوبی برای یک عروسی سه الی هفت روز تعیین می‌شود. پس از این که عروس به خانه بخت رفت، به مدت سه تا هفت روز با کسی دیدار نمی‌کند.

در شهرهای گیلان، خانواده عروس هفت روز پس از عقد، داماد را به شام دعوت و پاگشا می‌کنند.

در روستاهای گیلان، رسم است سه تا هفت بار عروس را در خانه داماد به دور چاه آب یا حوض خانه و اگر نباشد طشتی پر آب می‌گردانند و عروس سکه‌ای در آن می‌اندازد. در لرستان نیز عروس را هفت بار دور "ترگاه" (اجاق) خانه پدر می‌گردانند و سپس به خانه داماد می‌برند (اسدیان، ۱۳۸۴: ۹۴).

در نهاوند روز پیش از عروسی، عروس به سوی رودخانه رهسپار می‌شود و هفت کوزه را از آب پر و خالی می‌کند و سپس هفت مشت گندم به آب می‌ریزد (هانری ماسه، ۱۳۵۵: ۱۶-۱۵).

در کاشمر خانواده داماد در شب یلدا، هفت سینی مسی آماده می‌کند. هفت پارچه الوان روی این سینی‌ها قرار می‌دهند و در هر سینی برنج، گوشت، شیرینی و ... می‌گذارند و هفت نفر آن را تا خانه عروس حمل می‌کنند (شعبانی اصل، ۸۶ و ۱۳۸۵: ۹۹).

در ایبانه برای تزئین سرعروس، زیور مجللی تهیه می‌کنند به نام "تنکه" که معمولاً سکه‌هایی در هفت ردیف بر آن دوخته می‌شود. (نظری داشلی برون و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۴۲)

در خراسان، رسم بر این بوده که پس از این که، عروس به خانه داماد رسید، در سر راه وی یک کاسه آب و هفت مَجمعه (هفت سینی مسی گرد بزرگ) به صورت وارونه روی زمین قرار می‌دادند و در وسط هر «مجمعه» یک گردو یا یک بادام می‌گذاشتند که می‌بایست عروس بعد از ریختن آب با هفت قدم از روی سینی‌ها عبور می‌کرد و با هر قدم یک گردو یا یک بادام را زیر پای خود می‌شکست (شکور زاده، ۱۳۶۳: ۲۰۱-۲۰۰).

## جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل ❖ ۱۷۷

در گذشته رسم بود در اثنای خواندن صیغه نکاح، یک نفر از زنان حاضر به وسیله سوزنی با نخ هفت رنگ، پارچه بالای سر عروس و داماد را به صورت نمادین می‌دوخت (همان، ۱۳۶۳: ۱۷۷) و در گوشه‌ای دیگر دو تخم‌مرغ را در هفت ادویه به نیت اولاد می‌جوشانند و هفت جواهر در هاون می‌سایند (هدایت، ۱۳۷۹: ۳۴).

برگزاری مراسمی خاص در هفتمین شب ولادت نوزاد و آویختن هفت سنجاق از لباس نوزاد برای در امان ماندن از آسیب جن‌ها که با نام‌ها و آداب مختلف در اکثر مناطق ایران برگزار می‌شود: یدی گنججه<sup>۱</sup> به معنی هفت شب (آذربایجان)، پمله پر<sup>۲</sup> (لرستان)، شب ششه (نام جنی که در این شب ممکن است به نوزاد آسیب برساند)، شب خیز و ...

در لرستان در شب هفتم تولد، پیرترین زن مجلس گوش نوزاد را سوراخ می‌کند و به آن گوشواره‌ای با حلقه‌ای از طلا و هفت نگین بسیار کوچک فیروزه‌ای که در لرستان به آن "هفت محمدی" می‌گویند، می‌آویزد.

در خراسان، شب ششه، نوزاد را از زیر پای هفت دختر نابالغ رد می‌کنند و روی لچک نوزاد هفت سوزن می‌زنند. در این موقع یکی از زنان حاضر در مجلس مقداری برنج در کف دست می‌ریزد و دعای چهار قل (چهار سوره که با قل شروع می‌شود) بر آن می‌خواند و آنها را دور تا دور اطاق می‌گرداند (شکور زاده، ۱۳۶۳: ۱۴۴) و در برخی مناطق دیگر در این شب، نوزاد توسط هفت زنی که دایره‌وار نشسته‌اند، دست به دست گردانیده می‌شود (هانری ماسه، ۱۳۵۵: ۳۸).

### چیدن بندناف بچه در روز هفتم تولد

عقیقه و نامگذاری نوزاد را در هفتمین روز تولدش، نیکو می‌دانند. در حدیثی از امام صادق (ع) منقول است که: "فرزند را در روز هفتم تولد نام می‌نهند و پس از عقیقه،

1. Yeddi geja
2. Pamela par

موی سرش را می تراشند و هم وزن آن، نقره یا طلا تصدق می کنند. " (اسدیان، ۱۳۸۴: ۴۰)

خواندن سوره یاسین و هفت مبین برای زن آبستن، برای در امان بودن او از خطرات و مشکلات دوران بارداری توصیه می شده است. (هدایت ۱۳۷۹: ۴۴).

"در خرم آباد لرستان [و دیگر نقاط ایران] نذر می کردند اگر دارای فرزند ذکور شوند، موی او را تا هفت سالگی نتراشند و آنگاه که کودک به هفت سالگی رسید یا از آن گذشت، مویش را به نیت ماندگاری می چیدند و هم وزن آن، طلا یا پول به ضریح امام رضا(ع) فدیة می کردند." چرا که بیشترین آسیب ها و خطرها را تا سنین پیش از هفت سالگی محتمل می دانستند. (اسدیان، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۲).

در قشم وقتی کودکی دیرتر از موعد راه بیفتد او را در زنبیلی می نهند و دو نفر زنبیل را برمی دارند و به همراه عده ای با خواندن اشعاری تا هفت خانه می روند و هر یک از هفت خانه، مقداری خوراکی در زنبیل می اندازند (همان: ۴۵).

برگزاری مراسم "شب هفت"، در هفتمین شب فوت افراد از جمله باورهای مردم است که امروزه نیز انجام می شود.

در خور مردم اعتقاد دارند که روان انسان پس از مرگ تا هفت شبانه روز بر بالای خانه می ماند چرا که نگران بازماندگان است (هنری، ۱۳۵۳: ۱۴).

یکی از آداب دفن میت این است که می گویند: «بعد از دفن مرده به یکباره نباید آن را ترک کرد بلکه خوب است هفت قدم رفته و دوباره بازگردند. چون که او چشم به راه است» (هدایت، ۱۳۷۹: ۶۶).

همچنین اعتقاد بر این که «اگر بچه قبل از هفت سالگی بمیرد به بهشت می رود» و برخی معتقدند، «اگر کسی شب در خانه ای باشد که یک نفر در آنجا بمیرد باید هفت شب متوالی دیگر نیز در آنجا بماند.»

اعتقاد به این که "هفت قدم دنبال تابوت رفتن ثواب دارد" و «اگر مردی از کنار تابوتی گذشت، خوب است زیر آن رفته و هفت قدم، آن را به دوش ببرد و یا این که هفت قدم، تابوت را مشایعت کند» (همان: ۶۵). هم چنان که در کتاب «مردم شناسی روستای ایبانه» آمده است: «در ایبانه رسم است که اهالی، هفت قدم به دنبال جسد

## جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل ❖ ۱۷۹

حرکت کنند و معتقدند که این کار ثواب دارد» ( نظری داشلی برون و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۶۶).

استفاده از "هفت مهره" برای دفع چشم زخم در بین مردم. همچنین مراسم "نزله بندی" که به وسیله نی و ابریشم هفت رنگ انجام گرفته در بین مردم متداول بوده است (هدایت، ۱۳۷۹: ۲۵۲).

کرمانی‌ها رسم دارند برای برآمدن حاجات و دفع بلا، ماهی یک تا هفت مرتبه آجیل مشگل گشا (هفت رقم آجیل) تهیه کرده و به هفت نفر می‌دهند (همان: ۵۷).

مردم خراسان، برای دفع بیماری از خانه و شفای بیمار خویش، آشی به نام "آش آبودردا" می‌پزند و بین فقرا تقسیم می‌کنند. این آش از هفت رنگ آجیل (منظور هفت نوع بنشن و حبوبات) از هفت خانه‌ای که شخصی به نام فاطمه در آن زندگی می‌کند، تهیه می‌شود. در مناطق دیگر، برای ماندگاری و رفع بیماری و آفت از نوزاد، از هفت شخص که نامشان محمد است گدایی می‌کنند و با پولی که از این راه فراهم می‌شود، پیراهنی برای نوزاد می‌خرند و بر او می‌پوشانند (شکور زاده، ۱۳۶۳: ۲۶-۲۵).

آش اُمّاج کُمّاج خراسانی‌ها، از آردی که از سه یا هفت خانه‌ای که فاطمه نامی در آن زندگی می‌کند، گرفته شده به اضافه روغن، زعفران، ادویه، حبوبات و سایر مواردی که از عطار سرگذر خریداری شده است، تهیه می‌شود (همان: ۴۵).

در بین ایرانیان معمول است سه یا هفت روز بعد از حرکت مسافر، «آش پشت‌پا» می‌پزند.

در دانش عوام، انسان موجودی است دارای "هفت اندام (دو دست، دو پا، سر، شکم و آلت تناسلی)" (هدایت، ۱۳۷۹: ۲۴۷).

باور عوام بر این‌که «سگ هفت جان دارد» و در اصطلاح "هفت جان داشتن" را به کسی می‌گویند که در مقابل سختی‌ها مقاوم و "جان سخت" باشد.

اصطلاحی که امروزه به عنوان «شش ماهه دنیا آمدن» رایج است، در اصل "هفت ماهه دنیا آمدن" بوده است و به کسی اطلاق می‌شود که بسیار عجول باشد (هانری ماسه، ۱۳۵۵: ۲۷).

در مورد کسی که در خواب عمیق باشد، می‌گویند: "هفت پادشاه را خواب می‌بیند"

در خصوص افراد بی کس و کار یا بد شانس و اقبال، مصطلح است که می گویند:

"در هفت آسمان، یک ستاره ندارد."

قصه های "هفت جفت کفش آهنی"، "هفت تا عصای آهنی"، "پدر هفت دختر و پدر هفت پسر" و ... به عنوان قصه های فولکلور محبوب آذربایجان هستند.

در نزدیکی شهر کرمان قلعه ای است معروف به "قلعه هفت دختران" و می گویند که در زمان اردشیر بابکان، شخصی در آنجا بوده که هفت دختر داشته است.

مردم سنگسر دب اکبر را «هفت برارک» می نامند و بر اساس افسانه ای که دارند، «دب اکبر» هفت برادری هستند که از دست دشمنی نامادری و به خواست خدا به آسمان می روند تا جاودانه شوند و «دب اصغر» خواهر شیرخواره این هفت برادر است (اعظمی سنگسری، ۱۳۴۹: ۴۸).

مردم خراسان بر این باورند که «قوس قزح» عکس «کوه قاف» است و رنگ های آن انعکاس تابش آفتاب در هفت رنگ جواهراتی است که کوه قاف از آن ساخته شده است (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۳۴۵).

در برخی مناطق، برای بند آمدن رگبار، هفت کچل زنده را اسم می برند و نخی را به اسم هر کدام یک گره می زنند و در حیاط و رو به قبله آویزان می کنند (هدایت، ۱۳۷۹: ۵۰).

سرمه هفت جواهر که ترکیبی از طلا، نقره، الماس، یاقوت، زبرجد، لعل و ذر است، قوی ترین سرمه دانسته می شود (کتیرایی، ۱۳۳۸: ۱۲۶). از دیرباز فلزات اصلی را هفت می دانستند و آنها را "هفت جوش"، "هفت جسد"، "هفت گنجینه"، "هفت گوهر"، "هفت جوهر"، "جواهر سبعة" و ... نیز می نامیدند. ناصر خسرو در جامع الحکمتین آورده است: "جواهر هفت اند از: زر، سیم، آهن، مس، ارزیز، سرب و سیماب" (معین، ۱۳۳۸: ۱۲۶) و حضور هفت جواهر و جیوه را در سفره عقد نشان بر سفید بختی می دانند (هدایت، ۱۳۷۹: ۳۵).

یکی از بازی های آشنای کودکان و نوجوانان ایرانی، بازی «هفت سنگ» است. این بازی از دو تیم هفت نفره تشکیل می شود. وسیله بازی، هفت قطعه سنگ متوسط به عنوان نشانه و تعدادی سنگ کوچک برای پرتاب است.



## جایگاه عدد چهل در باور عامه

علاوه بر هفت، عدد چهل نیز در زوایای مختلف زندگی فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مردم ایران، معتبر و مقدس بوده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. واژه‌های «چله نشستن»، «چل چلی» و «پیرا چله، گرما چله» همگی نشانه اهمیت و جنبه نمادین و ماورایی این عدد در فرهنگ ایران است.

در تایید این موضوع، در کتاب "آیین‌های گذر در ایران" آمده است: "عدد چهل، عدد کمال و مقدس است: به چله نشستن درویشان، ریاضت چهل روزه صوفیان، چهلم فوت (اربعین)، چهلم تولد کودک، چله تابستان و چله زمستان، چهل سالگی (سن کمال فکری انسان) سن بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و این‌که حضرت یونس، چهل سال در دل ماهی (نهنگ) بود تا پالوده و پاک از کام او بیرون آمد" (اسدیان، ۱۳۸۴: ۵۷) و هزاران مورد دیگر نمودهایی از جایگاه این عدد بوده است.

عدد چهل نیز گاه به مانند عدد هفت، ماهیت کمی خود را از دست می‌دهد و معنای کمال، تمامیت و فراوانی به خود می‌گیرد. برای مثال، همه می‌دانیم که کاخ چهل ستون فقط بیست ستون دارد. مقبره چهل تن شیراز، شانزده قبر بیشتر ندارد یا چراغ‌های چلچراغ خیلی مانده به چهل برسد و یا توپ و پارچه چهل تکه واقعاً شامل چهل تکه نیست و ...

انا کراسنولسکا، پژوهشگر لهستانی در خصوص وجود دوره‌های خاص چهل روزه در زندگی افراد می‌نویسد: "... در آیین‌های خانوادگی، چله، دوره چهل روزه‌ای است که شخص و موجودیت او با یک وضع مهم و حساس برخورد پیدا می‌کند. این مواقع عبارتند از: تولد، ازدواج یا مرگ. طی مدت چهل روز بعد از هر یک از این مراحل، شخص و خانواده‌اش به طور خاصی آسیب‌پذیر می‌شوند و در معرض حمله ارواح شیطانی قرار می‌گیرند. این به معنای یک دوره اغتشاش و فترت است که بعد از هر انتقال به یک مرحله تازه از زندگی اتفاق می‌افتد..." (اسدی، ۱۳۷۶: ۵۷، به نقل از انا

کراسنولسکا).

در قرآن، احادیث و روایات نقل است:

«میقات حضرت موسی با پروردگارش در مدت چهل روز حاصل شده است»  
(سوره بقره، آیه ۵۱).

قوم بنی اسرائیل به دلیل کفران نعمت و پرستش گوساله به سرگردانی چهل ساله محکوم شدند (سوره مائده، آیه ۲۶) و برای برآورده شدن دعای خود چهل شبانه روز ناله و زاری می کردند.

چهل سالگی، سن کمال انسان است: "هنگامی که بنده به چهل سالگی می رسد خداوند به دو فرشته مراقب او می گوید: از این پس بر او سخت بگیرد و همه کارهای کوچک و بزرگ و زیاد و کم را ثبت کنید." چراکه شخصیت انسان تا چهل سالگی شکل می گیرد و از آن پس تحولات درونی در او سخت تر می شود ... همچنین دانشمندان مسلمان به ویژه آنان که مشرب عرفانی دارند به عدد چهل در زمینه خودسازی با دیده اهمیت می نگرند و برای این عدد در فعلیت یافتن استعداد های انسان و کامل شدن ملکات اخلاقی و پیمودن درجات معرفت تأثیری ویژه، قایل می شوند.<sup>۱</sup> سه رویدی بیان می کند: "خداوند انسان را در چهل روز آفرید و هر روز صفتی به او اعطا کرد که هر یک حجابی و مایه تعلق وی به دنیا بود تا این که در روز چهلم حجابها کامل و متراکم شد."

حضرت آدم، چهل شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود. کسی که لقمه حرام بخورد تا چهل شب نماز او قبول نمی شود و دعای او نیز تا چهل روز به اجابت نمی رسد.

هر کس غیبت مرد یا زن مسلمانی را کند تا چهل شبانه روز نماز و روزه اش پذیرفته نیست.

در نماز شب برای چهل مومن دعا می کنند.

۱. بنابه روایتی از امام صادق (ع) انسان در ۳۳ سالگی به رشد کامل جسمانی خود می رسد و این رشد تا چهل سالگی ثابت است و از آن پس بدن رو به کاستی می رود.

## جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تاکید بر اعداد هفت و چهل ❖ ۱۸۳

اگر کسی چهل روز خالص برای خدا باشد، خداوند او را در دنیا زاهد می‌کند و راه و چاه زندگی را به او می‌آموزد و حکمت را در قلب و زبانش جاری می‌سازد. هرکس چهل حدیث حفظ کند و در کارهای دینی از آن استفاده برد، خداوند او را فقیه و دانشمند محشور خواهد کرد. نماز خواندن انسان در جماعت بهتر است از نمازی که چهل سال در خانه خوانده شود.

کسی که نماز خود را چهل روز با جماعت و با درک تکبیر اول نماز بخواند، خداوند دو برائت را برای او مقرر می‌سازد: ۱- برائت از آتش دوزخ، ۲- برائت از نفاق در میان اهل باطن و ریاضت‌شرعی، چله (چهل روز) نشینی مرسوم می‌باشد (روزنامه رسالت: راز عدد چهل) و (روزنامه کیهان: رمز و رازهای عدد چهل از منظر قرآن و روایات) (بیش از ۱۵۰ حدیث از پیامبر (ص) در مورد نماز: [www.Rahpouyan.Com](http://www.Rahpouyan.Com))

علاوه بر این بخش، عدد چهل همچون هفت در فرهنگ عامه مردم از آداب و رسوم گرفته تا باورداشت‌ها و اعتقادات و حتی داستان‌ها و افسانه‌ها و محاورات روزمره به طور برجسته‌ای نمایان است:

در خصوص علت پیدایش نوروز در روایات ایرانی آمده است که "چون سلیمان بن داوود انگشتر خویش را گم کرد، سلطنت از دست او بیرون رفت. اما پس از چهل روز بار دیگر انگشتر خود را بازیافت و پادشاهی و فرماندهی به او بازگشت و مرغان به دور او گرد آمدند و ایرانیان گفتند: نوروز آمد" (رضی، ۱۳۸۰: ۳۰۰-۲۹۹).

از دوره صفویه رسم است در نوروز، چهل مرتبه سوره یس را بر انار یا آب می‌خوانند و بر سر سفره نوروزی می‌گذارند و پس از تحویل سال به یمن سلامتی و برکت از آن می‌خورند (جعفریان، [www.balagh.net](http://www.balagh.net)).

در بعضی از مناطق آذربایجان شرقی، صبح چهارشنبه سوری، مردم کاسه یا کوزه آب را برمی‌دارند و نزد روحانی محل می‌برند. این روحانی بر آن آب، چهل بار سوره یاسین می‌خواند و خوردن این آب را در هنگام تحویل سال، خوش‌یمن می‌دانند. در مازندران در شب چهارشنبه‌سوری، آتش "چهل‌گیاه" می‌پزند و آن را برای

مداوای بیماری مؤثر می‌دانند.

در گذشته، شیرازی‌ها هر ساله در چهلمین روز پس از عید نوروز در محوطه جلوی آرامگاه سعدی جمع می‌شدند و آتش نذری که در فارس به آن «دیگ جوش» می‌گویند، می‌پختند و از بامداد تا شب به شادی می‌پرداختند.

مردم قوم لک بر این باورند که "جکه ماتی (پرنده ای کوچک تر از گنجشک) چهلم روز مانده به فرا رسیدن نوروز ۴۰ عدد ریگ به آشیانه‌اش می‌برد و با گذشت هر روز، یکی از آنها را از لانه بیرون می‌اندازد و با تمام شدن ریگ‌ها که پایان زمستان است به پرواز در آمده و بر روی شاخه‌های درختان یا خارهای کم‌پشت شروع به رقص می‌کند" (نوروز در باور لک‌ها، [www.lakestan.com](http://www.lakestan.com)).

با اولین شب بلند سال در اول زمستان نیاکان ما گاهشماری خود را چهلم روز، چهلم روز تقسیم کردند و در پی آن، زمستان به دو چله کوچک و بزرگ تقسیم شد. بلدا (تولد خورشید در روز نخست چله بزرگ) و جشن سده (جشن چهلمین روز تولد خورشید و مصادف با پایان چله بزرگ می‌باشد) یادگار این دو چله است.

در آبادی‌های جیرفت، شب دهم بهمن ماه، آتش بزرگی به نام آتش سده با چهلم شاخه از درختان هرس شده که نشان "چله بزرگ" است در میدان ده برمی‌افروزند و می‌خوانند: سده سده دهقانی، چهلم کنده سوزانی، هنوز گویی زمستانی (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۲۸).

جشن چلمو یا چهلمین که در چهلمین روز از نوروز میان زرتشتیان کرمان برگزار می‌گشت نشان از توجه مردم این منطقه به عدد چهلم دارد. (رضی، ۱۳۸۰: ۶۵۲). در گذشته آذربایجانی‌ها رسمی داشتند که بدان "منجوق سالاماخ" (منجوق اندازی) می‌گفتند. این رسم بدین شکل بود که در شب عید قربان تعدادی از جوانان گردهم می‌آمدند و یک کوزه با دهانه گشاد را پر از آب می‌کردند و درون آن چهلم عدد گندم و چهلم عدد ریگ می‌انداختند. سپس هرکس با انداختن یک عدد منجوق یا شیء منحصر به خودش در آن، فال می‌گرفت.

در گذشته، هنگام نامگذاری کودک، پدر و مادر به نوزاد رونما می‌دادند که اگر نوزاد پسر بود، معمولاً یک چهلم بسم‌الله که از طلای ناب درست شده بود و ... رونمای نوزاد

بود (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۵۷).

طلسم چهل بسم الله از جمله دعاهایی است که همراه نوزاد برای محفوظ ماندن از بلا یا قرار می‌دهند. همچنین در روز عاشورا برای کودکانی که نذر پوشیدن لباس سقایی دارند، استفاده می‌شود.

در گذشته در برخی مناطق از جمله لرستان، رسم بود که در حمام روز چهلم که آخرین حمام دوران زایمان است، مادر و نوزادش را «چله بُری» و یا «چله بندی» می‌کردند یعنی آنها را با «جام چهل کلید» غسل می‌دادند. بدین نیت که قضا و بلا از او و نوزادش دور شود و از گزند و بیماری ایمن باشند. روش دیگر این بود که تخم مرغی را سوراخ می‌کردند پس از خالی کردن محتویات آن، چهل بار آن را از آب پر کرده و در ظرفی خالی می‌کردند. سپس آن آب را بر سر زانو می‌ریختند و برخی نیز، کاسه‌ای را پر از آب می‌کردند و چهل دانه ریگ به عدد روزهای چله در آن قرار می‌دادند و بر سر مادر خالی می‌کردند (حنیف، [www.lorestan.org](http://www.lorestan.org)). در اکثر مناطق، جام «چهل کلید» برای بخت‌گشایی نیز به کار می‌رفت.

در گذشته می‌گفتند: "بچه در رحم مادر چهل روز نطفه است، چهل روز خون است و چهل روز گوشت جویده است..." (همان: ۷) همان‌گونه که سعدی می‌گوید:

به صورت آدمی شد قطره آب      که چل روزش قرار اندر رحم ماند  
وگرچل ساله را عقل و ادب نیست      به تحقیقش نشاید آدمی خواند

(گلستان، ۱۵۶)

برای داشتن بچه زیبا و خوب، سوره یاسین را چهل بار می‌خوانند و روی چهل سیب سرخ می‌دمند (هانری ماسه، ۱۳۵۵: ۲۱).

در ایبانه، کودکی که پس از یک سالگی هنوز راه نیفتاده باشد، آیین "سلطان سبدی" را به جای می‌آورند. بدین ترتیب که مادر، کودک را در سبدی قرار می‌دهد و سبد را بر سر می‌گذارد و به در چهل خانه می‌رود و اشعاری می‌خواند. اهالی خانه نیز مقداری خوراکی در سبد می‌ریزند. از این خوراکی‌ها مقداری به کودک می‌دهند تا سستی او دفع شود و قوت راه رفتن بیابد (اسدیان، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۵، به نقل از نظری داشلی برون و دیگران).

نورآبادی‌های لرستان در شب چهلم تولد، بچه را در بغل می‌گیرند و به خانه‌های مختلف می‌روند. اهل هر خانه مقداری حبوبات به عنوان هدیه به اولیای بچه می‌دهند و مادر و خواهران به اتفاق زنان دیگر روستا، حبوبات جمع‌آوری شده را که بیشتر از نوع گندم، ماش، عدس، و نخود است، می‌پزند و بین اهل روستا تقسیم می‌کنند تا نذری باشد برای در امان ماندن نوزاد از خطرات و بیماری‌ها. (حنیف، www.lorestan.org)

برای تهیه "آش دندان"، قبل از مخلوط کردن همه مواد و بُنشن آش، ابتدا از هر یک از بنشن‌ها، چهل عدد می‌شمارند و در قابلمه می‌ریزند.

همانند چهلمین روز تولد نوزاد، چهلمین روز فوت افراد<sup>۱</sup> نیز، مراسم ویژه‌ای با باورها و آداب خاصی به جای آورده می‌شود. نمونه شاخص آن، مراسم "اربعین حسینی" است که در چهلمین روز شهادت امام حسین(ع) و شهیدان کربلا با آداب و آیین‌های متنوعی در بین شیعیان برگزار می‌شود.

نقل است در گیلان زنان در سوگ عزیزانشان از چهل روز تا یک سال و مردان از یک هفته تا چهل روز سیاه می‌پوشند (اسدیان، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

در خراسان اعتقاد مردم بر این است که در روز هفتم و چهلم که سر قبر مرده مجلس یادبود می‌گیرند، روح از آسمان به زمین می‌آید و در کنار جسد قرار می‌گیرد ... (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۲۲۴).

در ایبانه، در گذشته رسم بر این بود که بازماندگان به مدت چهل روز، پیش از غروب خورشید، جلوی خانه خود آتش می‌افروختند و مردم برای تسلائی ایشان و خواندن فاتحه بدانجا می‌آمدند ( نظری داشلی برون و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۷۲).

در شهرستان لردگان چهارمحل و بختیاری بعد از دفن به مدت چهل روز بر روی گور مرده، چراغ روشن می‌کنند تا مرده احساس تنهایی نکند (اسدیان، ۱۳۸۴: ۱۲۱)، نقل از حسینی و دیگران) و تا چهل روز بر گور مرده آب می‌ریزند.

در کردستان سه بار برای مردگان خیرات می‌کنند. یکی از آنها، ولیمه‌های شب سوم

۱. در نقاط مختلف ایران، مرسوم است برای برگزاری مراسم چهلم، اگر مرده صاحب اولاد باشد، به تعداد فرزندان او از چهل روز می‌کاهند و اینچنین، روز برگزاری مراسم را مشخص می‌کنند. (اسدیان، ۱۳۸۴: ۱۲۸)

و هفتم است که تعداد میهمانان آن حدود چهل تن است (همان: ۱۲۷).  
آیین «چهل قرآن» که در چهارمحال و بختیاری و در میان مردم آن خطه رواج دارد.  
در بین اکثر ایرانیان نذر مجالس چهل یاسین برای برآورده شدن حاجات مرسوم  
است.

در لرستان در ایام محرم رسمی است به نام "چهل منبر"، در این رسم، دخترانی  
سیاهپوش و نقابدار با پای بدون کفش به صورت گروهی، از اول صبح عاشورا، مجالس  
عزا و حسینه های شهر را می گردند و با نیت و خواسته های مختلف به ویژه  
بخت گشایی در هر جلسه و مراسم عزاداری یک شمع روشن می کنند تا چهل منبر را  
سر بزنند و چهل شمع روشن کنند.

آیین چله نشینی، چهل روز به طول می انجامد و خوراکی چله نشین ها از چهل مغز  
بادام یا گردو شروع می شود و هر روز یک بادام یا گردو کاسته می گردد تا روز آخر ...  
(هدایت، ۱۳۷۹: ۵۱).

مردم سنگسری اعتقاد دارند که اگر رعد بی موقع (مثلاً در اواخر پاییز یا زمستان) به  
صدا درآید، چهل روز پس از آن بارندگی نخواهد شد (اعظمی سنگسری، ۱۳۴۹: ۵۰).  
در بین ایرانیان، همسایه از ارج و قرب بسیاری برخوردار است. در گذشته می گفتند:  
"رسم همسایه داری تا چهل خانه باید به جای آورده شود."

در بین ایرانیان، در صورت شایعه پراکنی، ضرب المثل «یک کلاغ را چهل کلاغ  
کردن» بسیار مصطلح است و در اسطوره آمده است که وقتی کیومرث مُرد، خونش به  
زمین ریخت که پس از چهل سال، از آن، گیاه مشیه و مشیانه (آدم و حوای اسطوره ای)  
به وجود آمد.

در خصوص کوه قیرخ قیز (چهل دختر) که در پنج کیلومتری جنوب شهر درگز قرار  
گرفته، باوری است که می گوید در زمان های قدیم چهل دختر در نزدیکی این کوه در  
چمنزارهای اطراف گردش می کردند که سواران دشمن از دور پیدا و قصد اسیر کردن  
دختران را داشتند. دخترها فرار می کنند و به نزدیکی کوه می رسند. به جای "یا هو" (یا  
خدا) به اشتباه گفتند "یا کوه" یعنی از کوه مدد خواستند. در کوه شکافی باز شد چهل  
دختر وارد آن شدند، شکاف بسته شد و دیگر کسی آن دخترها را ندید. امروزه آن

شکاف باقی و آب صاف و زلالی از زیر آن جاری است که می‌گویند اشک چشم دختران است.

### نتیجه‌گیری

دانستیم که بحث در خصوص اعداد از زمان‌های بسیار دور از جمله دغدغه‌های ذهنی بشر بوده و همواره در طول تاریخ، پرداختن به این موضوع که در ورای مفهوم کمی اعداد، مفاهیم کیفی، کارکرد، ارزش و معانی بسیاری نهفته، زمینه‌ساز بسیاری از مطالعات و نظریه‌پردازی‌ها گردیده است تا بدانجا که ارسطو بر این اعتقاد است که "عدد منشاء و جوهر همه چیز است" یا شاگردان فیثاغورث بر این اندیشه تأکید می‌ورزند که «هر چیز که بتوان آن را شناخت، عدد دارد زیرا ممکن نیست بتوان بدون عدد چیزی را درک کرد یا شناخت». وجود نمودهای فراوانی از اعداد در عرصه‌های مختلف زندگی و فرهنگ عامه مردم که در این مقاله به نمونه‌های مختصری از آن اشاره شد خود موبد این واقعیت و نشانگر ضرورت و اهمیت انجام مطالعات منسجم‌تر و وسیع‌تری در عرصه فرهنگ گسترده و متنوع کشوری مانند ایران است.



## فهرست منابع

- ۱- اسدیان، محمد (۱۳۸۴)، آیین‌های گذر در ایران: بررسی تطبیقی آیین‌های ایرانی در حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی، تهران: انتشارات روشنایی.
- ۲- اعظمی سنگسری، چراغعلی «باورهای عامیانه مردم سنگسر»، مجله هنر و مردم، دوره ۸، شماره ۹۳-۹۲، خرداد و تیر ۱۳۴۹.
- ۳- آموزگار، ژاله (۱۳۸۰)، تاریخ اساطیر ایران، تهران: سمت.
- ۴- حسن زاده، آمنه، «سیزده به در، حسن ختام آیین‌های نوروزی»، روزنامه ایران، سال دوازدهم، شماره ۳۴۳۰، ص ۴، (۸ فروردین ۱۳۸۵).
- ۵- رضی، هاشم (۱۳۸۰)، گاهشماری و جشنهای ایران باستان، تهران: انتشارات بهجت.
- ۶- روح الامینی، محمود، (۱۳۷۶)، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز: نگرش و پژوهشی مردم شناختی، تهران: آگاه.
- ۷- شکورزاده، ابراهیم، (۱۳۶۳)، عقاید و رسوم مردم خراسان، تهران: انتشارات سروش.
- ۸- شعبانی اصل، فاطمه، (زمستان ۸۵ و بهار ۸۶)، «آیین شب چله»، فصلنامه فرهنگ و مردم ایران، شماره‌های ۷-۸، ۱۰۱-۸۹.
- ۹- صادق‌زاده بهمن، خرداد و تیر ۱۳۷۶، «هفت در پهنه فرهنگ و دین»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۳، ۶۹-۷۱.
- ۱۰- صفی‌زاده، فاروق، (۱۳۸۳)، طالع بینی آریایی، محمد ملکان سرشت، چاپ دوم، تهران: آشیانه کتاب.
- ۱۱- قنبری عدیوی، عباس، (زمستان ۸۵ و بهار ۸۶)، «آیین چهل قرآن در چهارمجال و بختیاری»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره‌های ۷-۸.
- ۱۲- کتیرایی، محمود، (۱۳۴۸)، از خشت تا خشت، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۱۳- ماسه، هنری، (۱۳۵۵)، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر،

تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

۱۴- معین، محمد، (۱۳۳۸)، **تحلیل هفت پیکر نظامی**، بخش اول، تهران: دانشگاه تهران.

۱۵- نظری داشلی برون، زلیخا و دیگران (۱۳۸۴)، **مردم‌شناسی روستای ایبانه**، تهران: سازمان میراث فرهنگی، (پژوهشکده مردم‌شناسی).

۱۶- هدایت، صادق، (۱۳۷۹)، **فرهنگ عامیانه مردم ایران**، جهانگیر هدایت، تهران: نشر چشمه، چاپ سوم.

۱۷- هنری، مرتضی (۱۳۵۳)، **آیین‌های نوروزی**، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.

۱۸- وجدانی، بهروز (مرداد و شهریورماه ۱۳۸۰)، «اعداد نمادین در موسیقی ایران»، **کتاب ماه هنر**، شماره ۳۵ و ۳۶.

۱۹- بی‌نام (۱۷ اسفند ۱۳۸۵)، «راز عدد چهل»، **روزنامه رسالت**، شماره ۶۱۰۳، صفحه ۷.

۲۰- بی‌نام (۱۷ اسفند ۱۳۸۵)، **رمز و رازهای عدد چهل** از منظر قرآن و روایات، **روزنامه کیهان**، سال شصت و چهارم، شماره ۱۸۷۵۷.

#### منابع اینترنتی:

- ۱- بی‌نام، "آداب عزاداری در ماه محرم": سایت [www.irib.ir](http://www.irib.ir)
- ۲- بی‌نام، "نگاهی به آیین‌های نوروزی در گذر تاریخ": سایت [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)
- ۳- بی‌نام، "نحس بودن عدد چهل و شش در سنج": سایت [www.aryasoft.biz](http://www.aryasoft.biz)
- ۴- نورآقایی، آرش: "ریشه اعداد کجاست؟"، سایت [www.chn.ri](http://www.chn.ri)
- ۵- محمد رضا غضنفری کفشگر، "فرهنگ مردم گناب": سایت [www.mazandnume.com](http://www.mazandnume.com)
- ۶- بی‌نام، "نوروز در باور لک‌ها": سایت [www.lakestan.com](http://www.lakestan.com)
- ۷- حنیف، محمد: "باورها و آیین‌های تولد در لرستان": سایت [www.lorestan.org](http://www.lorestan.org)